

A Sociological Analysis of the Development-Oriented Approach of Imam Ali's Governance in Comparison with the Foundational Elements of the Modern Welfare State¹

Ali Navazani²
Narges Molaei³

(Received on: 2023-10-22; Accepted on: 2024-03-15)

Abstract

The increasing spread of development-oriented culture in modern political systems, along with the growing attention to development-oriented themes through the lens of modernization and the improvement of societies, confronts peripheral and underdeveloped countries with a central question: Is the trajectory of underdevelopment a result of the cultural and ideological foundations of the originating society, and does achieving development necessarily require distancing oneself from the theoretical foundations of the established government? In religious societies, these inconsistencies and contradictions are often attributed to the ideological infrastructure and foundational religious knowledge. In the absence of serious critique, methodical scholarly research, and a clear distinction between authentic religious thoughts and socio-historical constructs, alongside the lack of argumentative discussions and analysis of the internal logic of historical events, a distorted worldview based on eclectic ideologies, appearing pseudo-scientific and popular, is strengthened. This flaw is the missing link that, through the normalization and justification of anti-development culture, undermines social trust in cultural foundations and, in the long run, leads to the erosion of social capital. Identifying and analyzing the barriers to development in religious societies is not possible without recognizing the epistemological foundations and the semantic system of the society under examination.

1. The present article is derived from "An explanatory model of the typology of the economic and social development of Imam Ali's government with a sociological approach for a comparative study with the fundamental components of the modern welfare state," Islamic Azad University, Arak Branch, 2024.

2. PhD, Sociology of Socioeconomic Development, Islamic Azad University, Arak Branch, Arak, Iran.
Email: navazani.ali@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Arak Branch, Arak, Iran (corresponding author). Email: molaei@iau.ac.ir

A sociological study of the governance models in Imam Ali's government, as a coherent and structured model of religious governance, aims to demonstrate that, in the comparison and capacity-building between the pre-modern modernization approach and the foundational elements of the modern welfare state, a compatibility can be established. Relying on this epistemic framework, a convergence and identity for a development-oriented governance model can be proposed for contemporary religious societies.

Keywords: development, economic development, social development, welfare state, Imam Ali's government, comparative metrics, Imam Ali's development-oriented approach.

بررسی جامعه‌شناختی رویکرد توسعه‌محور حکومت علوی در نسبت‌سنجی بامولفه‌های بنیادین دولت رفاه مدرن^۱

علی نوازنی^۲

نرگس مولائی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵]

چکیده

انعکاس گسترش روزافزون فرهنگ توسعه در نظام‌های سیاسی مدرن و توجه فزاینده به مضامین توسعه‌محور با رویکرد نوسازی و بهسازی جوامع، کشورهای پیرامونی و توسعه نیافته را با این پرسش محوری مواجه می‌کند که آیا سیر توسعه نیافتگی، منتج از بن‌مایه‌های فرهنگی-اعتقادی جامعه مبدأ است و برای نیل به توسعه یافتگی، ناگزیر از کناره‌گرفتن از بنیادهای نظری حکومت مستقر است یا خیر. در جوامع دینی، این ناهمسانی‌ها و ناسازآنگاری‌ها اغلب متوجه زیرساخت‌های ایدئولوژیک و بنیادهای معرفتی دینی قلمداد می‌شود. در غیاب نقادی جدی و پژوهش‌های علمی روشمند و عدم تفکیک اندیشه‌های اصیل دینی از برساخته‌های اجتماعی-تاریخی و فقدان مباحث استدلالی و تجزیه و تحلیل منطق درونی رویدادهای تاریخمند، نوعی جهان‌بینی مخدوش متکی بر ایدئولوژی‌های التقاطی با ظواهر شبه علمی و عامه‌پسند راقوت می‌بخشد. این ضایعه، حلقه مفقوده‌ای است که با استقرار و استحکام عرفی و توجیه و تثبیت فرهنگ ضد توسعه، موجب از میان رفتن اعتماد اجتماعی به مبانی فرهنگی می‌شود و در بلندمدت نیز به ریزش سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شود.

۱. مقاله حاضر برگرفته از: رساله دکتری علی نوازنی، «ارائه مدل تبیینی نوع‌شناسی توسعه اقتصادی-اجتماعی حکومت علوی با رویکرد جامعه‌شناختی در جهت مقایسه تطبیقی با مؤلفه‌های بنیادین دولت رفاه مدرن»، استاد راهنما: نرگس مولائی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، ۱۴۰۳ است.

۲. دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، ایران Navazani.ali@gmail.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، ایران (نویسنده مسئول) molaee20@iaau.ac.ir

ریشه‌یابی و علت‌کاوی موانع توسعه در جوامع دینی، بدون بازشناسی مبانی معرفتی و نظام معنایی جامعه مورد بررسی، امکان‌پذیر نیست. بررسی جامعه‌شناختی الگوهای اداره امور در حکومت علوی به عنوان مدلی منسجم و مدون از حکومت دینی درصدد تبیین این مدعا است که در نسبت‌سنجی و ظرفیت‌سازی میان رویکرد بهسازی پیشامدرن با مؤلفه‌های بنیادین دولت رفاه مدرن، می‌توان تطابق قائل شد و با اتکا به آن دامنه معرفتی، همسازی و این‌همانی برای الگوسازی توسعه محور از لحاظ رویکرد حکمرانی در جوامع دینی امروز وضع کرد.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، دولت رفاه، حکومت علوی، نسبت‌سنجی تطبیقی، رویکرد توسعه محور علوی

مقدمه

در نظام‌های دو بُنی (Hybrid Regime) که آمیزه‌ای از نهاد مردمی و بن‌مایه‌های ایدئولوژیک به شمار می‌روند، سازه حکومت و شیرازه حکمرانی مبتنی بر دو انگاره تئوریک است یا چنان مدعایی را یدک می‌کشد. در این میان، چنان‌چه در بستر حکمرانی، مغایرت‌هایی بروز کنند و ظهور تضادها سر برکشند، متن جامعه واکنش نشان می‌دهد. جامعه‌شناسان به عنوان طیب اجتماع در صدد علت‌یابی و ریشه‌شناسی معضلات اجتماعی تأثیرگذاری بر می‌آیند که می‌تواند بنیان‌های سرمایه اجتماعی را متزلزل سازد و از این رهگذر، ناگزیر از خوانش مجدد مبانی نظری و معرفتی نظام‌های مستقر خواهند بود. الگوسازی روزآمد شیوه اداره امور، متناسب با ظرفیت پدیده‌های اجتماعی و نیازهای عاملان اجتماعی رکن چنین پژوهش‌هایی هستند. برقراری توازن میان خواست اجتماعی روزگار مدرن با بن‌مایه‌های اعتقادی و ایدئولوژیک پیشامدرن، مستلزم شناخت روح فرهنگی آن جامعه است. این مقاله عهده‌دار کوشایی برای پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. آیا پیشرفت‌های رفاهی دولتی‌های پیشامدرن از حصار دولت خدمات اجتماعی فراتر نمی‌رود یا می‌توان به لحاظ محتوایی میان آن رویکرد با الگوی رفاهی دولت‌های مدرن نسبتی برقرار کرد؟
۲. آیا خدمات رفاهی حکومت علوی به عنوان نمونه مورد بررسی، مدلی از حکومت دینی قابل تطبیق با مصادیق رفاهی مورد تأکید دولت رفاه است؟
۳. آیا می‌توان الگوی پیشرفت اقتصادی اجتماعی حکومت علوی را با مبانی علمی جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی اجتماعی برابر سنجی کرد؟

فوکو تساوا یوکیشی با دقت و تذکر نسبت به روح تمدن، محور توجه خودش را «آرایش معنوی- فرهنگی» یک قوم قلمداد می‌کند که نه می‌توان آن را خرید و نه می‌توان آن را فروخت (فوکو تساوا یوکیشی، ۱۳۶۳: ص ۲۴)؛ چه‌آنکه گاه شدت ناهمسازی‌های تجربی در ساحت حکمرانی چنان

نمایه‌ای در بر می‌گیرد که به تعبیر رونالد اینگلهارت در کتاب مقدس و عرفی دین و سیاست در جهان که در آن به رابطه تنگاتنگ میان دینداری و توسعه نیافتگی پرداخته است، رشد اقتصادی با افول ارزش‌های دینی رابطه دوسویه دارد؛ هرگاه کشوری مرفه نباشد، اهمیت ارزش‌های دینی در آن زیاد می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۷: ص ۳۹). البته وی در کتاب نوسازی، تغییر فرهنگ و دموکراسی مکانیسم چنان نظری را این‌گونه بیان می‌کند که در جوامعی که از نظر اقتصادی از امنیت و رفاه نسبی برخوردارند و توزیع نسبتاً برابر میان خانوارها جاری است، این احساس فزاینده رفاه و امنیت، موجب کاهش نیاز به مطلق‌گرایی دینی و در نتیجه، تضعیف هنجارهای مذهبی سنتی می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ص ۴۱).

آلبرت هیرشمن هم در ظهور و افول علم اقتصاد توسعه، رکن مبحث توسعه نیافتگی جوامع جهان سوم را چنین بیان می‌کند که مهم‌ترین دلیل ناکامی اقتصاد توسعه، ناشی از بحران‌های سیاسی کشورهای خودکامه جهان سوم است که بنیادهای ایدئولوژیک دارند (هیرشمن، ۱۳۶۶: ص ۳۹).

حامد الگار قائل است ضعف تجددخواهی ایرانی از همان ابتدا بر پایه‌های لرزان سطحی‌نگری و مسامحه و مماشات بنا شده است، سپس در دوره‌های بعد به کلی از هم فروپاشید و ماهیتاً گرایش‌های ضد تجدد و ضد توسعه را تقویت کرد (الگار، ۱۳۶۹: ص ۱۰۵).

اهمیت بار ارزشی مقوله توسعه، نظریه پردازی مثل گی روشه را بر آن داشت تا در تعریف توسعه به نکته ظریف و ارزشمند فوق، تأکید ورزد. وی توسعه را کلیه کنش‌هایی می‌داند که به منظور سوق دادن جامعه به سوی تحقق مجموعه منظمی از شرایط زندگی فردی و جمعی دنبال می‌شود که با ارزش‌های آن جامعه، مطلوب تشخیص داده شده‌اند (روش، ۱۳۸۰: ص ۲۱۲).

در بدایت امر، تبیین الگوی نظری و در ادامه، مصادیق الگوی عملی و اجرایی متکی بر آن در نمود و تبیین رویکرد توسعه‌گرا در حکومت علوی، مورد بررسی است. توصیف و تبیین امام علی (علیه السلام)

به‌عنوان حاکم و مجری نسبت به وضعیت وخیم زندگی مردم کوفه پیش از زمامداری و تصدی امور، چنین است:

«گوشه چشم به هر سو که خواهی به مردم بیفکن، آیا جز مستمندی بینی که با فقر دست به گریبان یا دولتمندی که با نعمت خدا در کفران یا آنکه دست بخشش ندارد و ندادن حق خدا را افزونی مال به حساب آرد، یا سرکشی که از سخن حق روگردان است؛ گویی گوش او از شنیدن موعظه‌ها گران است. کجایند گزیدگان شما و نیکانتان و آزادگان و جوانمردانتان؟ کجایند پرهیزگاران در کسب و کار و پاکیزگان در راه و رفتار؟ آیا جز این است که همگان رخت بر بستند و از این جهان پست و گذران و تیره‌کننده عیش بر مردمان دل گستند؟ و شما مانند گروهی خوار و بی‌مقدار که از خردی رتب که لب‌ها از به هم خوردن و بردن نامشان و نکوهش اعمالشان ننگ دارد. در این حال باید گفت: *إنا لله وإنا إليه راجعون*» (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۱۲۸).

ایشان در قامت حاکم جامعه در وهله نخست به شماتت تهی‌دستی و تنگنای عیش مردم پرداخته و پس از ملامت اوصاف روزگاری که تحت صدارت مدیران ماقبل بر جامعه و مردم پدیدار گشته است، تغییر شرایط موجود به وضعیت مطلوب را اساس حکمرانی خویش ذکر می‌کنند.

«خدایا تو می‌دانی که ما فرمانروایی و ریاست را اراده نکرده‌ایم و آنچه می‌خواستیم تنها بر پا داشتن حدود الهی و تحقق شرع تو و قراردادن امور در جای خود و اصلاح شهرهایت بود تا بندگان ستم‌دیده‌ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده‌ات اجرا گردد» (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۱۲۹).

امام علی علیه السلام تحول ساختار و نوسازی اقتصادی اجتماعی جامعه را بر پایه سیاست‌گذاری‌های اصلاحی ذیل بنیان نهادند: ترویج ثروت‌سازی معیارمند و تشویق توانگری عمومی.

تمایز دورویکرد اقتصادی در اندیشه امیرمومنان علیه السلام، مبنای مغایرت‌ها در شناخت صحیح از بنیاد فکری ایشان نسبت به رفاه‌گستری و برخورداری گردیده است؛ نظرگاه فردی و دیدگاه جمعی.

علاء بن زیاد نزد حضرت از برادرش عاصم بن زیاد شکایت برده بود که وی با تاسی به رویه معیشتی حضرت، مدتی است زندگی را بر خانواده خویش تنگ گرفته است. امام او را احضار کردند. در توضیحی که از عتاب و شماتت هم خالی نیست، وی را تذکر دادند که من به عنوان پیشوای دادگر طبق امر خداوند باید به گونه ای باشم که مستمندان و بینوایان وجودشان بر نیاشوبد. تو چنان امکان و اجازه ای نداری. از آنچه خداوند برای استفاده بندگان، پاکیزه قرار داده است، استفاده کنید (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۲۴۱)؛ البته فرازهای ملامت امام در آن توصیه و تذکر به گونه ای است که نشانگر عصبانیت و کدورت ایشان از ناهمی های آسیب زا در متن اجتماع است. ایشان علامت رضایت و خشنودی خداوند را عدالت گستری حاکمان نسبت به مردمان می دانند و بلافاصله پس از این عبارت، گسترش و استقرار ارزانی ارزاق را تأکید فرموده اند (صدوق، ۱۴۰۴: ص ۲۶۹).

همچنین در روایتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده اند:

«هرگاه خداوند بر امتی خشم گیرد؛ اما عذابی فرو نفرستد، آبادانی آن دیار کاسته خواهد شد، بازرگانان آن سودمندی نخواهند داشت، قیمت ها بالا می رود، باران بر آن نبارد، جویبارانش مملو نشود، میوه ها و بستان ها بی رشد بمانند و اشرار بر آنجا سلطه می یابند» (صدوق، ۱۴۰۴: ص ۶۷۸).

شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه و نیز در الخصال این فراز از تذکر و تنبه امام را بازتاب داده اند که از نشانه های خشم خداوند، ظلم گستری و جورافزایی حاکمان آن و افزایش قیمت ها است (صدوق، ۱۴۰۴: ص ۵۲۴). در دیدگاه علوی، فراخی دارایی و رفاه گستری و عدل معطوف به بهزیستی عمومی، نعمت ارجمندی تلقی می گردد و مالی ارج دارد که سودمندی حداکثری فرد و جامعه را در پی بیاورد (خوانساری، ۱۳۶۰: ص ۱۳۷) و آن ارجمندی هنگامی ارزنده تر است که مایه تسلی و آرامش و برخورداری و رفاه بلندمدت را فراهم کند (واسطی، ۱۳۷۶: ص ۳۳-۴۲).

ایشان در عهدنامه مالک، مؤکداً توصیه فرموده‌اند که روزی‌ها را به فراوانی بر آنان فرو ریز؛ زیرا چنان کاری برای آنان نیرویی است که با آن خواستار اصلاح خود می‌شوند و وسیله‌ای است برای بی‌نیازکردنشان از دست‌درازی به دارایی‌های زیردستانشان (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۵۶۳) که این گستردن فراخی و فراوانی باید مبتنی و متکی باشد بر گشاده‌دستی و خیرگستری عمومی که والاترین ستایش‌ها را در بر خواهد داشت (خوانساری، ۱۳۶۰: ص ۱۳۷).

تکریم تجار و بازرگانان و تسهیل سودآوری کنش‌های اقتصادی صنعتگران و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری

درایت ایشان در زمامداری مبتنی بر رویکرد توسعه‌گرا ایجاب می‌کند که زمینه‌کنشگری اقتصادی اهالی کسب و صنعت و تجارت به نحو احسن تأمین و تضمین گردد. در نامه ۵۳ نهج البلاغه رعایت این مهم را از ارکان تعامل سازنده با اقتصاددانان محسوب می‌کند:

«پس درباره بازرگانان و صنعتگران سفارش مرا بپذیر و به بهترین شیوه درباره آنان سفارش کن؛ چه کسی که بر جای بود و چه آن که با مال خود از این سو بدان سو رود و با دست‌رنج خود کسب کند که آنان مایه‌های سودها و وسیله به دست آمدن درآمدها و کالاهای مورد نیاز مردم هستند و آورنده آن از جاهای دوردست و دشوار در بیابان و دریا و دشت و کوهسار و جاهایی که مردم برای موقعیت‌های -دشوارش- در آنجاها به هم نمی‌پیوندند و دلیری رفتن بر سر آنجاها را در سر نمی‌پروراند. این بازرگانان مردمی آرامند و نمی‌ستیزند و آشتی جویند و فتنه‌ای نمی‌انگیزند و کار آنان را واریسی کن چه در آنجا باشند که خود به سر می‌برند» (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۵۶۳).

ابن‌شعبه حرانی در تحف العقول به دو نکته بسزا در این زمینه اشاره می‌کند: برقراری امنیت سرمایه‌گذاری توأمان با حفظ حرمت سرمایه‌گذاران (حرانی، ۱۳۹۴: ص ۹۴). استقرار امنیت در

حوزه مالی، محدود به تجار و بازرگانان و سرمایه‌گذاران نمی‌ماند. ایشان مدیران را به برپایی امنیت روانی فراگیر در متن جامعه موظف می‌دانند (خوانساری، ۱۳۶۰: ج ۴، ص ۱۰۰).
حضرت در این رابطه در عهدنامه مالک مرقوم داشته‌اند:

«برو با ترس از خدا، که یگانه است و بی‌همتا، مسلمانی را مترسان و اگر او را خوش نیاید، بر سر وی مران و بیش از حق خدا از مال او مستان. چون به قبیله رسی، بر سر آب آنان فرود آی و به خانه هاشان در میای. پس آهسته و آرام سوی ایشان رو تا به میان آنان رسی و سلامشان کن و در درودگفتن کوتاهی مکن. سپس بگو: بندگان خدا، مرا ولیّ خدا و خلیفه او سوی شما فرستاد تا حقّی را که خدا در مال‌هایتان نهاد از شما بگیرم، آیا خدا را در مال‌های شما حقّی است تا آن را ادا سازید و به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه متعزّض او مشو و اگر کسی گفت: آری با او برو، بی‌آنکه او را بترسانی یا بیمش دهی یا بر او سخت گیری یا کار را بر او سخت گردانی» (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۵۶۷).

ایشان سه اصل رارکن رفع حاجت و تسلی در متن جامعه بر می‌شمارند: امنیت، عدالت، رفاه و آبادانی (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۸، ص ۲۳۴). جوامعی که از این سه رکن برخوردار نباشند، شرّ الأوطان (خوانساری، ۱۳۶۰: ج ۴، ص ۱۷۱) و شرّ البلاد (واسطی، ۱۳۷۶: ص ۲۹۴) می‌نامند. از سویی هم ایشان ضمن تذکر به عدم رکود در جریان بخشی به رونق اقتصادی، شکوفایی تولید را در کنار سرمایه‌گذاری و تبدیل به احسن دارایی‌ها، قوام بخش تأمین رضایتمندی بلندمدت می‌دانند (حر عاملی، ۱۴۰۴: ج ۱۲، ص ۴۴؛ سلمی سمرقندی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۵۰).

ارتقا بخشی به نگرش و فهم اقتصادی آحاد جامعه در فرآیند توسعه بخشی حکومت علوی به مثابه تعلیم والا طلبی کیفی است که مبنای تئوریک حکمرانی است. فروش ملک مسکونی یا زمین زراعت یا بوستان با نظر داشتن تبدیل آن به دارایی احسن، برجای مانده از همین تلقی است (نراقی، ۱۴۱۹: ج ۱۹، ص ۳۶۵).

تمکین از نخبگان و فرزندان اهل فن و تبعیت از عقلانیت در اداره امور و تصمیم‌سازی‌ها

حضرت امیر علیه السلام اساس تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را بر پایه علم و عقلانیت تعریف می‌کنند (واسطی، ۱۳۷۶: ص ۲۸۴). برنامه جامع اقتصادی حکومت، مبتنی بر دانش اقتصادی و متکی بر عقلانیت و حسن تدبیر به سرانجام نیکو رهنمون خواهد شد (نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ص ۱۷). پرهیز مستمر و تحذیر مؤکد امام نسبت به پیشبرد امور بر مبنای سوءتدبیر مبتنی بر جهل که با هر مصلحتی، موجب شر دامنگیر خواهد شد. اساس حکمرانی علوی در رجوع به نخبگان و عقلا، برای سامان بخشی شایسته امور قلمداد می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۴: ص ۲۳۹). این مشی در نظام حکمرانی علوی در حصار مصالح و منافع مقطعی و حزبی محدود نمی‌شود؛ چراکه نفی یا طرد عقلانیت با هر ملاحظه‌ای مصداق یفسد اکثر ما یصلح است (برقی، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۱۹۸). حضرت در توصیه‌ای تمثیلی به ابن مسعود می‌فرماید: «از اقدام بدون علم و عقلانیت پرهیز و همانند زنی نباشید که رشته خود را پس از محکم بافتن، گسست (حلی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۶۴۴)؛ همچنان که در نامه‌ای به اسود بن قطبه به پرهیز از تصمیم و اقدام بر پایه هوای نفس و امیال و ترجیحات فردی، تذکر می‌دهند (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۵۷۷). ایشان نسبت به زمامداری و تصدی دوقشر، برای سلامت جامعه به شدت بیمناک هستند: سفیهان و فاجران. اگر جامعه‌ای تحت سیطره تصدی نابخردان و فسادانگیزان قرار گیرد، دست‌درازی به گردش اموال عمومی و تخصیص آن به حزب تبهکاران و نیز دشمنی و عداوت با صالحان و شایستگان، به وجود می‌آید که ریشه تباهی جامعه است.

بر همین پایه و اساس، ایشان در عهدنامه مالک اشتر نخعی تأکید فرمودند که مدیران پیوسته با دانشمندان در تبادل نظر باشند تا امور بر دانشی کارآمد به صورت بهینه به انجام رسد (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۵۵۳).

توسعه عمران و آبادی شهرسازی مبنای تقویت مدنیت

بهسازی سخت‌افزاری جامعه، جلوه نمایان ایده‌پردازی مدیران و مجریان آن جامعه است. در فرآیند توسعه بخشی اقتصادی-اجتماعی حکمرانی علوی، توجه به دو بعد کمیت و کیفیت به صورت توأمان مدنظر است. حضرت امیر علیه السلام در نوسازی و عمران و آبادگری به متفق بودن عمارة البلاد (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۵۴۹) و جمیل الأثر فی البلاد (هود: ۶۱) توصیه فرموده‌اند.

ایشان در بخشی از تواصی و فرامین خویش می‌فرمایند: «راهنمای آبادگری ما، سخن خداوند متعال است. او از شما آبادانی زمین را خواسته است تا گذران زندگی مردمان به شیوه نیکوتری اتفاق بیفتد» (میرزای نوری، ۱۳۶۷: ج ۱۳، ص ۶۶).

حضرت به قدری نسبت به عمران و آبادانی و بهسازی محیط زیست جامعه حساسیت داشتند که در نامه به قرظة بن کعب انصاری می‌نویسند:

«پس از ستایش و سپاس پروردگار و درود بر پیامبر بزرگوار. همانا مردانی از ذمیان در قلمرو کارگزاری تو گزارش داده‌اند که نه‌ری در سرزمین آنان از میان رفته و نابود شده است و در آن نهر، آبادانی سرزمین مسلمانان است. در این باره تو و آنان بنگرید، پس نهر را آباد کن و سامان ده. پس به جانم سوگند که آبادکردن آنان برای ما دلپذیرتر است از آنکه بیرون روند یا تهیدست شوند یا در وظیفه آبادکردن شهرها کوتاهی ورزند. والسلام» (یعقوبی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۲۰۳).

همچنان است پندی که به مالک اشتر نخعی متذکر شده‌اند:

«و بدان که باید نگرش تو در آبادانی زمین، رساتر از نگرش تو به گرفتن خراج باشد؛ زیرا خراج تنها با آبادانی است که به دست می‌آید و هرکس که بدون آبادساختنی درخواست خراج کند، سرزمین‌های کشور را به ویرانی اندازد و بندگان خدا را به نابودی کشاند و جز اندکی کار او راست نیاید.» (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۵۶۱).

بیمه و تأمین اجتماعی

در رویکرد توسعه‌طلبی حکمرانی علوی، رسیدگی و تیمار مستضعفان و طبقات آسیب‌دیده جامعه در دو ساحت دولتی و مردمی تعریف می‌شود. یک سو وظایفی است که مجریان و متصدیان بر عهده دارند و سوی دیگر، کنش‌های خیرخواهانه مردمی در تأمین تراز کیفی زندگی قشر کم‌توان جامعه است. در وجه ترغیب و انگیزه‌بخشی به متن مردم دو سیاست انذار و تبشیر در میان است. وعده پاداش‌های اخروی نظیر واجب‌شدن بهشت (طوسی، ۱۳۹۰ق: ج ۹، ص ۱۷۷)، همنشینی با پیامبر ﷺ در بهشت (مندری، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۲۷۸)، بازگشت خیرخواهی انسان به رونق و برکت زندگی دنیوی و اخروی (صنعانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۱، ص ۳۰۰)، وجوب حرمت نهادن به خداوند (سیوطی، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ص ۳۷۷) و حفظ حرمت پیامبر ﷺ (هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۱۷۲) و همچنین تذکر عقوبت استقرار در دوزخ (هیثمی، ۱۴۰۲ق: ج ۴، ص ۲۷۴)، ناظر به تحرک اجتماعی برای حل معضلات و ارتقا بخشیدن به نظم جمعی و اعتلای کیفی زندگی عمومی است.

در این زمینه، وظایف دولت‌ها و متصدیان امور هم به‌طور مجزا، دسته‌بندی دقیق دارد و مشخصاً نسبت به مساکین و محتاجین و مجروحین و محبوسین و سالمندان و کودکان و بیماران و آوارگان و بی‌سرپرست‌ها و بدسرپرست‌ها دغدغه جدی دارد و برای هر کدام، شرح وظایف معینی لحاظ گردیده است. دقت نظرهای حضرت امیر علیؑ در سطره نگاه مدیریتی - نظارتی ایشان، جهت تأمین کیفیت توسعه بهزیستی، این دو گروه را نیز شامل می‌شود: گروهی در میان نیازمندان که حاجات خود را بروز می‌دهند و به روشنی اظهار می‌دارند (فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۱۱۶۹) و عده‌ای که مسکنت آنان از وضعیتشان و ظواهرشان پیداست؛ اما بر زبان نمی‌آورند (جزری، ۱۳۶۴: ج ۳، ص ۲۰۵). حتی حضرت امیر علیؑ نسبت به برخی گران‌جانی‌ها و وسواس‌ها نفس نزد مدیران، تذکر می‌دادند که چه بسا گستره وسیع واریسی‌ها جهت تأمین

نیازمندی‌ها، سبب شود که وسعت این رسیدگی‌های دقیق و طویل بر بعضی از مجریان سخت و طاقت‌سوز و گران بیاید (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۵۵۹).

حضرت امیر علیه السلام حتی این نکته دقیق را در نظر داشتند که دولت نسبت به کفالت معاش و تأمین مایحتاج خانواده‌های متوفی مستقیماً مسئول است و جبران کاستی‌ها را بر عهده دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۴۰۶) که این منطق تأمینی، برگرفته از رویکرد نظارتی-مراقبتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده است (طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۶۶). پیامبر صلی الله علیه و آله هم حکومت را موظف به تأمین مایحتاج بی‌سرپرست‌ها و بدسرپرست‌ها می‌کردند (دارقطنی، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ص ۸۵) و هم در ساحت تأمین عاطفی، شخصاً خود را مسئول و موظف می‌شمردند (صدوق، ۱۳۷۹: ص ۴۰۵).

امیرمومنان علیه السلام در شاخصه ممتاز رفاه‌گستری، هیچ تبعیض و تمایزی -از جهت آیینی و از حیث نژاد و قومیت و عقیده- روا نمی‌داشتند. روزی از معبری می‌گذشتند که دیدند پیرمرد نصرانی از کارافتاده‌ای، دست نیاز به التماس و عجز نزد دیگران دراز کرده است. حضرت از مشاهده آن وضعیت برآشفتنده و فرمودند: «هنگامی که جوان و توانا بود از او کار کشیدید و اکنون که پیر و ناتوان شده است، رهایش کرده اید؟! او را از بیت المال تأمین کنید» (طوسی، ۱۳۹۰ق: ج ۶، ص ۲۹۳). بیرق اخلاقی متقن در حکمرانی علوی، حسن سیره است که حضرت در نامه به مالک اشاره داشته‌اند (قاضی نعمان، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ص ۳۶۷).

گونه‌های متنوعی از رفتارشناسی امام علی علیه السلام در مواجهه با اقلیت‌ها و حل مشکل‌های آنها قابل احصا است که به مواردی از آن نموده‌ا که ساحت متعالی دیگری در روند توسعه‌خواهی علوی است، اشاره می‌شود:

محمد بن ابی‌بکر، استاندار مصر در دولت امام در نامه‌ای به حضرت، پرسش مهمی در رابطه با نحوه برخورد با زندیقان حاضر در آن دیار و خورشیدپرستان و ماه‌پرستان دارد. حضرت در پاسخ می‌فرماید: «لازم است آنان در عملکرد خویش آزاد باشند؛ نه حاجت به ستیز و حرب است و نه

لزومی به اجبار در پذیرش اسلام است» (ثقفی، ۱۴۰۷ق: ص ۱۴۶). همین رویه مستحسن در توصیه به مالک اشتر نخعی در عهدنامه‌ای که برای آماده‌سازی ایشان برای تصدی امور مصر تدوین گردیده بود، درج است که احترام به اهل هر دیار از حیث حفظ کرامت انسانی، منظور نظر است و باید از تنگ‌نظری‌های اعتقادی اجتناب کرد (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۵۶۴). حضرت در توصیه دیگری به مالک در آبادسازی مناطق سکونت اقلیت‌ها تأکید می‌کند و نمود کارکردهای دولت را پایه و اساس رغبت‌آوری سرمایه اجتماعی به مقررات می‌دانند (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۵۵۳).

حقوق اقلیت‌ها و مخالفان سیاسی

امام علی علیه السلام همین تأکید را در نامه به قرظ بن کعب انصاری - کارگزار بهقباذات - می‌نویسند و تذکر می‌دهند که نامه‌ای از اهل ذمه آن منطقه به ایشان رسیده است که از تخریب نهری در آن دیار گلایه‌مند بوده‌اند و آن نقیصه مورد غفلت قرظ بن کعب انصاری واقع شده بوده است. حضرت او را با حرارت در کلام نسبت به رسیدگی و حل آن معضل، ترغیب می‌کنند (یعقوبی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۲۰۳). توصیه به عدل و انصاف در مواجهه با توده مردم به‌ویژه اهل ذمه در نامه به محمد بن ابی‌بکر در زمامداری مصر (حرانی، ۱۳۶۳: ص ۱۷۸)، تذکر عتاب‌آلود به زیاد بن ابیه - حاکم فارس - بعد از باخبر شدن از رفتار نادرست و در مواردی آغشته به ستم وی نسبت به مردم آن دیار که عموماً غیرمسلمان بودند (الرضی، ۱۳۶۹: ص ۴۷۶)، توصیه‌نامه به معقل بن قیس ریاحی جهت اعزام و آزرده‌گی حضرت بعد از اطلاع از خشونت ورزی عمرو بن سلمه ارحبی - کارگزار اصفهان - به دلیل شکایت دهقانان اهل ذمه آن سامان، حاوی شماتت ایشان است (خوئی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۸، ص ۳۲۳) و موارد بسیاری از این دست که گواه دغدغه جدی و تصمیم حضرت علی علیه السلام نسبت به حراست و صیانت از حقوق اقلیت‌ها و مخالفان است.

ایشان در دستورالعمل نسبتاً مفصلی که در ارشاد کارگزار خراج بانقیا مرقوم فرموده‌اند، نکات ظریف و حائز اهمیت را گوشزد می‌کنند.

«مبادا یهودی، مسیحی یا مسلمانی برای اخذ مالیات، ولو برای درهمی مورد خشونت قرار گیرد؛ هرگونه دست‌اندازی به اموالشان ممنوع است و هیچ‌گونه جفایی نسبت به آنان - چه خودشان، چه خانواده‌شان، چه غلامان و کنیزان و چه مرکب و دارایی آنان - صورت نگیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۵۴۰).

«هنگام دریافت خراج، مرکب کاری مورد استفاده آنها را به اجبار برای فروش نگذارید. لباس‌های زمستانی و تابستانی آنان و چهارپایان‌شان را نه گرو بستانید و نه به اجبار فروش بگذارید. مبادا با تازیانه‌ای یا جفای دیگری به شخصی تعرض شود. ما صرفاً موظف هستیم از اضافات دارایی و اموال آنها تقاضای خراج کنیم، نه از اصل سرمایه» (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۳۶۲).

حتی در اقدام مملو از سماحت و سخاوت دیگری برخلاف عرف رایج گذشته که اقلیت‌ها می‌بایست جزیه خود را نقد می‌پرداختند، امام علی علیه السلام مقرر کردند از صاحبان مشاغل که وجوه نقد کافی برای پرداخت مالیات ندارند و ممکن است به تنگنا دچار شوند، به جای وجه نقد، از تولیدات‌شان جزیه گرفته شود. ایشان می‌سنجیدند که محتمل است برای فروش کالا دچار زحمت و مضیقه شوند و بالاچاره زیر قیمت معقول بفروشند؛ بنابراین گاهی اجناسی نظیر سوزن و جوالدوز هم به جای پول نقد می‌پذیرفتند و همان راهم به عدل در میان نیازمندان تقسیم می‌کردند (ابوعبید، ۱۴۰۸ق: ص ۵۵). حضرت نه تنها مجبور نمی‌کردند؛ بلکه ارفاق داشتند تا رضایتمندی شهروندی که حیث التفاتی سرمایه اجتماعی است، محفوظ داشته شود.

حضرت امیر علیه السلام حتی این تفکیک را هم قائل بودند که به منظور گسترش آزادمنشی و اکرام، آنچه از منظر اقلیت‌ها حلال بود و در مکتب اسلام حلال نبود، مجزاً قرار گیرد و در موارد متناسب خودش صرف شود، کما اینکه آنچه سعد بن مسعود از مدائن می‌فرستاد در پارچه سرخی می‌نهادند که

مستقلاً درباره آن تصمیم بگیرند (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ص ۲۷۶). این توجه و التفات خاص، تنها محدود به مقوله اخذ مالیات نبود و تکریم و احترام وافر امام نسبت به اقلیت‌ها در همه شئون زندگی آنان تبلور داشت.

محمد بن ابی بکر نامه‌ای نزد امام می‌فرستد. حکم شرعی مربوط به ارتکاب منکری که میان مردی مسلمان با زنی مسیحی یا یهودی رخ داده بود را استعلام می‌کند. حضرت در پاسخ نامه می‌فرمایند: «حد شرعی درباره مسلمان اجرا شود؛ اما زن به هم‌کیشان خود تحویل گردد تا متناسب با هر آنچه آداب قضایی مکتب اعتقادی آنان است، در مورد او تصمیم گرفته شود (طوسی، ۱۳۹۰ق: ج ۱، ص ۱۵) و این در حالی است که حسب برخی فتاوی، مغایر این امر جاری بوده است (حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ص ۲۲۷). علاوه بر موارد حقوقی و قضایی، امام علیه السلام نسبت به حرمت اهل علم اقلیت‌ها و حفظ منزلت اجتماعی شخصیت‌های دانشور غیرمسلمان در جامعه و نیز صیانت از شئون اعتقادی آنان، حساسیت داشتند. یحیی نحوی نامه‌ای به امام می‌فرستد و از آزار حاکم فارس شکایت می‌کند که تحت فشار قرار دارد و دیرش در شرف ویرانی است و خوف جان دارد. حضرت امیر علیه السلام بلافاصله فرزندشان - محمد حنفیه - را مأمور رسیدگی به آن موضوع می‌کنند و دستور می‌دهند امان نامه‌ای فوراً تدارک شود و آن دانشمند از مهلکه رهایی یابد (بیهقی، ۱۳۶۵: ص ۳۹) و در ضمن آن، تذکر مؤکد نسبت به مراعات و مراقبت از آنان را صادر می‌کنند (امین، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۳۲۶).

مدارای امام علی علیه السلام در مواجهه با اقلیت‌ها و مخالفان سیاسی تا حدی بود که علی‌رغم تمامی کارشکنی‌های خوارج، نه از حقوق مالی محروم شدند، نه از حقوق اجتماعی در مضیقه ماندند و نه حلقه قواعد فرهنگی اعتقادی آنان تنگ شد. علاوه بر آنچه گذشت، امام در خطبه‌ای هم خطاب به جمعیان فرمودند: «مادامی که آغازگر جنگ نباشید، ما به نزاعی با شما برخوایم خاست (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۳، ص ۳۳۵).

خریت بن راشد که از شورشیان بارز کوفه محسوب می شد، روزی نزد امام بود و با صراحت و شدت به مخالفت با امام پرداخت. عبدالله بن قعین که از این رویداد برآشفته بود، نزد امام گله مند شد که چرا او را دستگیر نمی کنید. او بانی فتنه های مختلف و متعددی در متن جامعه است. امام پاسخ دادند: «اگر چنین اقدامی را در برابر افرادی نظیر او انجام دهیم که باید زندان ها را از امثال او پر کنیم. من از آنانی نیستم که با متن مردم چنین کنم و بر آنان بتازم و سخت بگیرم و محبوسشان کنم، مگر اینکه مخالفشان به معارضه و نزاع بدل شود» (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۵، ص ۱۱۵).

همین خریّت بن راشد زمانی که از کوفه رفت و عملاً به شورش نظامی برخاست، حضرت به مقابله برآمدند.

امام علی علیه السلام در برخورد با اقلیت های نژادی هم با وسعت دید و عطوفت رفتار می کردند. اشعث بن قیس نسبت به رفتار بسیار محترمانه و ملاطفت آمیز امام با ایرانیان و موالی کوفه به شدت معترض بود. در حین سخنرانی امام به ایشان معترض شد. امام از آنان دفاع کردند و آنها را مردمانی متدین، فعال و اثربخش در پیشبرد امور برشمردند (ثقفی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۴۱)؛ حال آنکه در دوران قبل از خلافت حضرت امیر علیه السلام آنان مورد ستم و انواع تبعیض قرار داشتند و به امام پناه می بردند و شکایت ها را در میان می گذاشتند؛ امام نیز با ناراحتی و دلشکستگی از ایشان دلجویی می کردند و توصیه داشتند که وقت خود را صرف کار تجاری خودشان کنند و به حواشی نپردازند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۳۱۸) و همان زمان حضرت امیر علیه السلام از آنها خواستند تا نماینده ای تعیین کنند که در موارد لزوم از یاری امام برخوردار گردند (منقری، ۱۴۰۳ق: ص ۱۴).

نتیجه

حضرت امیر علیه السلام در خطبه نهم نهج البلاغه، حکمت درخشانی را به عنوان رویکرد تبلیغاتی یک زمامدار شایسته، تفهیم کرده اند: «لانسيل حتى نمطر؛ سيل روانه نمی کنیم، مگر آنگاه که بباریم». همه مدعیات رفاه گستری و توسعه گرایی که در فرامین و ضوابط حکمرانی علوی، ابلاغ گردیده بود،

ماحصل عینیت یافته‌ای در اعلان امام علی (ع) دارد. ایشان فرمودند: «همه مردم کوفه در برخورداری از نعمات، زندگی کردند، فرودست‌ترین طبقات اجتماعی هم از خوراک مرغوب، اسکان آسوده و محیط زندگی مطلوب بهره‌مند شده‌اند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۰، ص ۳۲۷). روایت مرحوم مجلسی در بحارالانوار ابن ابی شیبه کوفی در المصنف و متقی هندی در کنز العمال - به اندک تفاوت‌هایی در بعضی الفاظ - قید کرده‌اند. خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب العین، ذیل فرازی از نامه پنجاه و سوم نهج البلاغه (ثم اسبغ علیهم الأرزاق؛ باید که روزی‌شان را فراخ گردانی) به نکته ظریف و لطیفی توجه دارد که مبین ژرفای توسعه‌گرایی علوی است. سبغ، پیراهن گشاد و بلندی است که به‌طور کامل و جامع، تمامی تن را در برگیرد و به فراخی بپوشاند (فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۷۸۷). بررسی دقیق در شمول گوناگون اقدامات اصلاحی حکمرانی علوی، نمایانگر آن است که عناصر تدبیر و بهسازی امور حکومتی از تأمین کمیت‌گرای اصلاحی - بقدر مایصلحه - بسی فزاینده و در نظرداشتی موسّع، به کیفیت‌گرایی و توسعه‌بخشی فرایند رفاهی - سبغ - توفیقی کامیاب داشته است. عطف به پرسش محوری تحقیق، تبیین مدل توسعه حکومت علوی به وضوح نشانگر آن است که نمی‌توان آن را در ساحت مضیق دولت خدمات اجتماعی تعریف کرد؛ بلکه سنخ توسعه‌گرایی را به روشنی برخوردار بوده است و در بعضی موارد - از حیث مفهومی - از بن‌مایه‌های مؤلفه‌های توسعه مدرن، فراپیش می‌نهد، چه‌آنکه حسب تطبیق بررسی‌های مصداقی هم، ستاک توسعه‌مندی در شجره تناور رفاه‌گستری علوی پیداست.

منابع

قرآن کریم

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۴ق)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق: طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی، قم: نشر اسماعیلیان.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۹۴)، تحف العقول عن آل الرسول، قم: مكتبة البصيرت.
- ابوعبید، قاسم بن سلام (۱۴۰۸ق)، الأموال، تحقیق: محمد خلیل هراس، بیروت: دار الفکر.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ق) اعیان الشیعه، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۷)، مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان، ترجمه: مریم وتر، تهران: کویر.
- _____ (۱۳۸۹)، نوسازی: تغییر فرهنگ و دموکراسی، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۰ق)، المحاسن، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۶۵ق)، تاریخ حکماء الاسلام، دمشق: مطبعة الترقی.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت.
- _____ (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل أئمة الأطهار، قم: مؤسسه النشر الاسلامیه.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۰۷ق)، الغارات، بیروت: دار الاضواء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تصحیح و تحقیق و تدبیل: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
- خوانساری، جمال الدین (۱۳۶۰ق)، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۰۶ق)، سنن الدار قطنی، بیروت: عالم الکتب.
- روشه، گی (۱۳۸۰)، تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۱ق)، جامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت: دار الفکر.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۶۹ش)، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران: علمی فرهنگی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، معانی الأخبار، تهران: مكتبة الصدوق.

- _____ (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: منشورات جماعة المدرسين.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۰۳ق)، المصنّف، بیروت: المكتب الاسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۴ق)، المعجم الكبير، قاهره: مكتبة ابن تیمیه.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۴۰۴ق)، مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، بیروت: مؤسسة النور المطبوعة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الرسل والملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، تهذیب الأحكام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی (۱۴۱۵)، الإصابة في معرفة الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- علی بن ابی بکر، هیشمی (۱۴۰۲ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العربی.
- علی بن محمد، لیثی واسطی (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم والمواظ، قم: دار الحديث.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق)، روضة الواعظین، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، کتاب العین، تحقیق ابراهیم السامرائی، قم: انتشارات اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- الگار، حامد (۱۳۶۹)، میرزا ملکم خان: پژوهشی در باب تجددخواهی ایرانیان، ترجمه: مجید تفرشی و جهانگیر عظیمی، تهران: نشر مرکز فرهنگی مدرس.
- متقی هندی، حسام الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار لعلوم الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- منذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی (۱۴۱۴ق)، الترغیب والترهیب من الحديث الشريف، بیروت: دار الفكر.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۳ق)، وقعة صفین، تحقیق و شرح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة المرعشی النجفی.
- میرزا حبیب‌الله، هاشمی خونی (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعه في شرح نهج البلاغة، تهران: نشر الإسلامیه.

نراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، مستند الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت.
نوری، میرزا حسین (۱۳۶۷ش)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، بیروت: موسسه آل البيت
لاحیاء التراث.

هیرشمن، آلبرت (۱۳۶۶)، «ظهور و افول علم اقتصاد توسعه»، ترجمه: غلامعلی فرجادی، مجله برنامه
توسعه ش ۹.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۳)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.
یوکیشی، فرکوتساوا (۱۳۶۳)، نظریه تمدن، ترجمه: چنگیز پهلوان، تهران: نشر آبی.

Gamble, Andrew (2016), Can the Welfare State survive? Cambridge polity, pp131-146.

Hayek, F.A (1959), The Constitution of Liberty, Lodon, Routledge, 257-262.

Offe, Claus (1982), Some Contradiction of the Modern Welfare State, critical socialpolicy:7-16.

Pateman, Carole (1989), The Patriarcal Welfare State, in the disorder of women,
Cambridge, polity press, pp 185-9 and 192-209.

Schulz, James (2002) The Evolving concept of Retirement, Looking Forward to the
Year 2050, International Social Security Review, 55, 85-105.

Schierup, Carl-Urik and Castles, Stephen, Migration in the Global Political
Economy, Boulder, Lynne Rienner publisher, 15-39.

References

The Noble Quran.

Abū 'Ubayd, Qāsim b. Salām. 1408 AH. *Al-Amwāl*. Edited by Muḥammad Khalīl Ḥarās.
Beirut: Dār al-Fikr.

Algar, Hamid. 1369 Sh. *Mirza Malkum Khan: A Biographical Study in Iranian Modernism*.

Translated by Majid Tafreshi and Jahangir Azima. Tehran: Modarres Culture Center.

Amīn, Sayyid Muḥsin al-. 1403 AH. *A 'yān al-Shī'a*. Edited by Ḥasan Amīn. Beirut: Dār al-Ta'āruf.

ʿAsqalānī, Abū al-Faḍl Aḥmad ibn ʿAlī. 1415 AH. *Al-Isāba fī maʿrifat al-Ṣaḥāba*. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyya.

Barqī, Aḥmad b. Muḥammad al-. 1370 AH. *Al-Maḥāsīn*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.

Bayhaqī, ʿAlī b. Zayd al-. 1365 AH. *Tārīkh Ḥukamāʾ al-Islām*. Damascus: Maṭbaʿat al-Tarqī. Cambridge: Polity Press.

Dārquṭnī, ʿAlī b. ʿUmar al-. 1406 AH. *Sunan al-Dārquṭnī*. Beirut: ʿĀlam al-Kutub.

Economy. Boulder: Lynne Rienner Publisher.

Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad al-. 1414 AH. *Kitāb al-ʿayn*. Edited by Ibrāhīm al-Sāmīrāʾī. Qom: Osveh.

Fattāl al-Nīshābūrī, Muḥammad ibn Ḥasan al-. 1406 AH. *Rawdat al-wāʾiẓīn*. Beirut: Muʿassasat al-Aʿlamī li-l-Maṭbūʿāt.

Gamble, Andrew. 2016. *Can the Welfare State survive?* Cambridge: Polity.

Ḥāshimī al-Khūʾī, Mīrzā Ḥabīb-Allāh al-. 1400 AH. *Minhāj al-barāʿa fī sharḥ Nahj al-balāgha*. Tehran: Nashr al-Islāmiyya.

Hayek, F.A. 1959. *The Constitution of Liberty*. London: Routledge.

Haythamī, ʿAlī ibn Abī Bakr. 1402 AH. *Majmaʿ al-zawāʾid wa-manbaʿ al-fawāʾid*. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿArabī.

Ḥillī, Ḥasan b. Yūsuf al-. 1420 AH. *Tahrīr al-aḥkām al-sharʿiyya ʿalā madhhab al-ʿImāmīyya*. Qom: Imam Sadiq Institute.

Hirschmann, Albert. 1366 Sh. "The rise and decline of the economics of development."

Translated by Gholam-Ali Farjadi. *Barnāmih-yi tawsiʿih*, no. 9.

- Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1404 AH. *Wasā’il al-Shī’a ilā taḥṣīl masā’il al-sharī’a*. Edited by ‘Abd al-Raḥīm Rabānī Shīrāzī. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Ibn. Athīr, ‘Alī b. Muḥammad. 1385 AH. *Al-Kāmil fī al-Tārīkh*. Beirut: Dār Sādir.
- Ibn. Athīr, Mubārak b. Muḥammad. 1364 AH. *Al-Nihāya fī gharīb al-ḥadīth wa al-athar*. Edited by Ṭāhir Aḥmad Zāwī and Maḥmūd Muḥammad Ṭanāhī. Qom: Ismā‘īlīān.
- Ibn. Shu‘ba Ḥarrānī, Ḥasan b. ‘Alī. 1394 Sh. *Tuḥaf al-‘uqūl ‘an Āl al-Rasūl*. Qom: Maktabat al-Baṣīra.
- Inglehart, Ronald. 1387 Sh. *Sacred and secular: religion and politics worldwide*. Translated by Maryam Vatar. Tehran: Kavir.
- Inglehart, Ronald. 1389 Sh. *Modernization, cultural change, and democracy*. Translated by Yaghoub Ahmadi. Tehran: Kavir.
- Khwānsārī, Jamāl al-Dīn al-. 1360 AH. *Sharḥ Ghurar al-Ḥikam wa-durar al-kilam*. Tehran: University of Tehran.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya‘qūb al-. 1407 AH. *Al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīya.
- Laythī al-Wāsitī, ‘Alī ibn Muḥammad al-. 1376 Sh. *‘Uyūn al-ḥikam wa-l-mawā’iz*. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1403 AH. *Bihār al-anwār li-‘ulūm al-āimmat al-ṭahār*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Minqarī, Naṣr b. Mazāḥim al-. 1403 AH. *Waq‘a Ṣiffīn*. Edited and annotated by ‘Abd al-Salām Muḥammad Hārūn. Qum: Mara‘ashī Najafī Library.
- Mundhirī, ‘Abd al-‘Azīz b. ‘Abd al-Qawī al-. 1414 AH. *Al-Targhīb wa-l-tarhīb min al-ḥadīth al-sharīf*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Muttaqī al-Hindī, Ḥisām al-Dīn al-. 1409 AH. *Kanz al-‘ummāl fī sunan al-aqwāl wa-l-aqfāl*. Beirut: Maktabat al-Risāla.

- Narāqī, Aḥmad b. Muḥammad al-. 1419 AH. *Mustanad al-Shī'a*. Qom: Maktabat Āl al-Bayt.
- Nūrī, Mīrẓā Ḥusayn al-. 1367 Sh. *Mustadrak al-wasā'il wa-mustanbat al-masā'il*. Beirut: Maktabat Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth.
- Offe, Claus. 1982. "Some Contradiction of the Modern Welfare State." *Critical social policy*, 7-16.
- Pateman, Carole. 1989. *The Patriarchal Welfare State, in the disorder of women*.
- Rocher, Guy. 1380 Sh. *Social change*. Translated by Mansour Vosooghi. Tehran: Ney.
- Ṣan'ānī, 'Abd al-Razzāq ibn Ḥumām al-. 1403 AH. *Al-Muṣannaf*. Beirut: al-Maktab al-Islāmī.
- Schierup, Carl-Urik and Stephen Castles. 2011. *Migration in the Global Political*
- Schulz, James. 2002. "The Evolving concept of Retirement, Looking Forward to the
- Sharīf al-Raḍī, Muḥammad ibn Ḥusayn al-. 1369 Sh. *Nahj al-balāgha*. Translated by Sayyid Jafar Shahidi. Tehran: Elmi va Farhangī.
- Shaykh al-Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī al-. 1379 AH. *Ma'ānī al-akhbār*. Tehran: Maktabat al-Ṣadūq.
- Shaykh al-Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī al-. 1404 AH. *Man lā yaḥḍuruh al-faqīh*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān ibn Abī Bakr al-. 1401 AH. *Jāmi' al-ṣaghīr fī aḥādīth al-bashīr al-nadhīr*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ṭabarānī, Sulaymān ibn Aḥmad al-. 1404 AH. *Al-Mu'jam al-kabīr*. Cairo: Maktabat Ibn Taymiyya.
- Ṭabarasī, 'Alī ibn Ḥusayn al-. 1404 AH. *Mishkāt al-anwār fī ghurar al-akhbār*. Beirut: Mu'assasat al-Nūr al-Maṭbū'a.
- Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr al-. 1387 AH. *Tārīkh al-rusul wa-l-mulūk*. Edited by Muḥammad Abū al-Faḍl Ibrāhīm. Beirut: Dār al-Turāth.

Tammīmī Maghribī, Nu‘mān b. Muḥammad al-. 1385 AH. *Da‘ā’im al-Islām*. Qom: Mu’assasat Āl al-Bayt.

Tammīmī Maghribī, Nu‘mān b. Muḥammad al-. 1409 AH. *Sharḥ al-Akḥbār fī Faḍā’il A’imat al-Athār*. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmiya.

Ṭaqqaḥī, Ibrāhīm b. Muḥammad. 1407 AH. *Al-Ghārāt*. Beirut: Dār al-Aḍwā’.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan al-. 1390 AH. *Tahdhīb al-aḥkām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiya.

Ya‘qūbī, Aḥmad b. Ishāq al-. 1383 SH. *Tārīkh Ya‘qūbī*. Beirut: Dār Ṣādir.

Year 2050.” *International Social Security Review*, no. 55: 85-105.

Yukichi, Fukuzawa. 1363 Sh. *Theory of civilization*. Translated by Changiz Pahlavan. Tehran: Abi.